

بررسی و تبیین تأثیر عملکرد پلیس جامعه‌محور بر احساس امنیت زنان

(مورد مطالعه: کلانشهر تهران)¹

مهران سهراب‌زاده²، قدیر بخشی³، داود دعاگویان⁴

تاریخ دریافت: 1395/04/01
تاریخ پذیرش: 1395/05/27

از صفحه 83 تا 110

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی
سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز 1395

چکیده

احساس امنیت زنان موضوع و مسئله پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. در میان تجربه‌های مختلفی که ممکن است به دلیل داشتن نوع فیزیک بدنی و سایر شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی برای زنان به وجود آید تجربه احساس ناامنی به‌طور کلی و ترس از مورد تجاوز و تهاجم واقع‌شدن به‌طور خاص از جدی‌ترین آنها است. پژوهش حاضر با هدف سنجش میزان احساس امنیت زنان و تعیین چگونگی تأثیر عملکرد پلیس جامعه‌محور بر آن انجام شده است. روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع پیمایش بوده و جمعیت آماری این پژوهش را زنان 15 تا 64 ساله ساکن در خانوارهای معمولی سطح شهر تهران تشکیل می‌دهد که از طریق فرمول کوکران حجم نمونه‌ای به تعداد 350 نفر تعیین و بر مبنای روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده است. در تحلیل رابطه متغیرها و آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های همبستگی و همچنین تحلیل عاملی استفاده شده است. نتایج توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که میزان احساس امنیت زنان در شهر تهران در سطح متوسط می‌باشد و براساس آمارهای استنباطی فرضیه‌های پژوهش مبنی بر تأثیر عملکرد پلیس جامعه‌محور بر احساس امنیت زنان تأیید شد. بر اساس تحلیل همبستگی بین متغیرهای مستقل (عملکرد پلیس جامعه‌محور) با شاخص‌های عملکرد سامانه نظارت همگانی و پلیس محله (با متغیر وابسته (احساس امنیت زنان) در سطح اطمینان 0/95 رابطه‌ای معنادار و مثبت برقرار است. همبستگی احساس امنیت زنان با ترکیب خطی شرایط علی مذکور نیز معنادار می‌باشد. پیشنهادهای کاربردی نیز متناسب با نتایج و یافته‌ها در پایان پژوهش ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: امنیت، احساس امنیت، عملکرد پلیس، پلیس جامعه‌محور، نظارت همگانی، پلیس محله.

1- این مقاله برگرفته از طرح دفتر تحقیقات کاربردی فاتب می‌باشد.

2- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان.

3- دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)، alireza_bakhshi@yahoo.com

4- دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین.

مقدمه

امنیت واژه‌ای پیچیده، دارای ابعاد و لایه‌های مختلف و به لحاظ کاربرد از گستردگی وسیعی برخوردار است. از درونی‌ترین افکار و احساسات بشری گرفته تا مهم‌ترین مسائل بین دولت‌ها دربرگیرنده مفهوم امنیت است (نچار نهادندی و صلابتی، 1389: 45). زنان به دلیل موقعیت فرودستی که نسبت به مردان در بیشتر جوامع بشری دارند و نیز تابوهای اجتماعی و هنجارهای فرهنگی که جنس مؤنث و مسائل پیرامونی‌اش را احاطه کرده کمتر توانسته‌اند از موقعیت ویژه خود سخن بگویند. در میان تجارب زنان بخشی که بیش از سایر بخش‌های دیگر مغفول مانده به تجربیات خاص زنان در جامعه و شرایط خاص آنها در ارتباط با امنیت مربوط می‌شود.

در میان تجربه‌های مختلفی که ممکن است به دلیل جنسیت زنان و سایر شرایط خاص برای آنان به وجود آید تجربه احساس ناامنی به‌طور کلی و ترس از مورد تجاوز و تهاجم واقع شدن به‌طور خاص از جمله آنها است (اباذری و دیگران، 1387: 76).

کاهش امنیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین ناامنی خیابان‌ها و تهدیدات اخلاقی می‌تواند در کاهش احساس امنیت زنان تأثیرگذار باشد. علاوه بر این، امروزه زنان همپای مردان به کار و فعالیت پرداخته و در زمان‌های بسیاری بیشترین وقت خویش را در خارج از خانه می‌گذرانند. در نتیجه، امکان مواجهه با آسیب‌های اجتماعی برای آنان افزایش یافته است. از این رو، بحث امنیت اجتماعی زنان بیش از پیش اهمیت یافته است (احمدی و اسماعیلی، 1389: 171).

تفاوت‌های جنسیتی، ظرفیت‌های فردی، آسیب‌پذیری‌ها و توانمندی‌های زنان موجب شکل‌گیری ویژگی‌های متفاوت دو جنس (مرد و زن) می‌شود و به نظر می‌رسد این موضوع در میزان احساس امنیت آنها تأثیرگذار است.

جنسیت فرد یکی از مهم‌ترین عوامل شناخته‌شده در ایجاد ترس از جرم و احساس ناامنی است. تحقیقات فراوان صورت گرفته نشان می‌دهد که زنان در مقایسه با مردان ترس بیشتری را از جرم تجربه می‌کنند ولی میزان بزه‌دیدگی واقعی آنها از مردان پایین‌تر است. ترس زنان بیشتر از آسیب‌پذیری آنها در برابر تعرضات جنسی ناشی می‌شود. ترس از تعرضات جنسی و تجاوز به عنف راه را برای ترس از جرایم دیگر

همواری کند(لرنی، 1383: 17).

با قرارگرفتن جامعه در مسیر رشد و تحولات شتابان جهانی شدن از یک سو و رخدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تغییرات ناشی از آن از سوی دیگر بستر مناسبی برای ظهور مسائل و مشکلات اجتماعی شکل گرفته است. از جمله این مشکلات اجتماعی می‌توان به بی‌اعتمادی و سردرگمی، گسستگی پیوندهای اجتماعی، عدم جذب در بدنه اجتماعی، عدم مشارکت و در نتیجه انزوای اجتماعی اشاره کرد که انعکاس این مسائل را می‌توان در افزایش آسیب‌های اجتماعی نظیر بزهکاری و رفتارهای انحرافی و غیره از یک سو و از سویی دیگر در سست شدن پیوندهای اجتماعی و کاهش «پيله‌ها و شبکه‌های حمایتی» و در نتیجه افزایش احساس ناامنی اجتماعی مشاهده کرد و فقدان احساس امنیت اجتماعی در نهایت بنیاد زندگی اجتماعی را دچار اختلال می‌نماید(احمدی و اسماعیلی، 1389: 171-172).

اگرچه نیروی انتظامی بنا به وظایف ذاتی و قانونی خود با اخلاگران نظم و امنیت برخوردار می‌کند و متناسب با شاخص‌های موجود امنیت قابل قبولی را تاکنون در جامعه برقرار نموده است ولی نتایج پژوهش‌های مختلف از طریق مراجعه به افکار عمومی این واقعیت را نشان می‌دهند که احساس امنیت اجتماعی به‌ویژه در میان قشر زنان به اندازه امنیت عینی وجود ندارد و حاکی از مسئله‌مند بودن احساس امنیت اجتماعی زنان در کشورمان به‌طور کلی و در کلانشهری چون تهران به‌طور خاص است. پس به‌طور کلی پایین بودن میزان احساس امنیت زنان(امنیت به مفهوم ذهنی) مسئله اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد و توجه به این مسئله از طریق بازنگری در رویکردها و نیز با چرخش از گفتمان امنیتی سنتی(تهدیدمحور) به گفتمان امنیتی مدرن در سال‌های اخیر بیشتر نمایان شده است. از جمله این تحولات راهبردی می‌توان به اتخاذ رویکرد جامعه‌محوری پلیس(جامعه مسئول، پلیس پاسخگو) اشاره کرد که پژوهش حاضر نیز با تأکید بر نقش این رویکرد پلیس در تأمین و ارتقای احساس امنیت اجتماعی زنان انجام شده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت و ضرورت هر پژوهش پاسخ به چرایی انجام آن است اما چرا باید به بررسی و سنجش احساس امنیت اجتماعی زنان تهرانی علل و عوامل مؤثر و راهکارها و

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز 1395)

راهبردهای ارتقای آن دست یازید؟

امنیت و احساس امنیت از جمله نیازهای اساسی، حیاتی و دایمی جوامع است، بدین ترتیب ایجاد، حفظ و گسترش آن از اهداف، وظایف و ارزش‌های بنیادین دولت‌ها می‌باشد (نجار نهانندی و صلابتی، 1389: 45).

ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر در درجه اول از اهمیت و حساسیت موضوع و مسئله آن یعنی «احساس امنیت اجتماعی زنان» ناشی می‌شود و در درجه بعدی به رویکرد و رهیافت نظری خاص آن ارتباط می‌یابد بدین معنی که در این پژوهش به دنبال تأکید صرف بر تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت اجتماعی زنان و آن هم از منظر و چشم‌اندازی است که تاکنون با فقر پژوهش و فعالیت علمی جدی در این حوزه روبه‌رو بوده‌ایم و با این امید که این پژوهش قدم هرچند کوچک در مسیر این دسته از پژوهش‌ها برداشته و دستاوردها و یافته‌های نظری و عملی مؤثری را دربر داشته باشد. اهمیت مطالعه موضوع احساس امنیت اجتماعی از آنجا ناشی می‌شود که بدون تبیین و شناخت دقیق احساس ایمنی در افراد تأمین امنیت اجتماعی و نظم عمومی در جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود. لذا، شناخت و واکاوی علمی موضوع احساس امنیت اجتماعی از پیش‌شرط‌های اساسی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها به‌منظور ارتقای سطح امنیت اجتماعی می‌باشد. از این‌رو، اهمیت مفهوم امنیت و احساس امنیت اجتماعی و درک صحیح آن به‌منظور تدوین سیاست‌های امنیتی می‌تواند در ثبات یک جامعه و تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن تأثیر مطلوبی بگذارد و به همین دلیل است که امروزه احساس امنیت زنان و موضوع‌های مربوط به آن برای حکومت‌ها، سیاست‌گذاران، فعالان حقوقی و نیز پژوهشگران اهمیت ویژه‌ای یافته است.

مسئله اجتماعی احساس ناامنی زنان پیامدهای منفی زیادی برای زنان، دختران و همچنین خانواده‌ها دارد. بنابراین، کندوکاو علمی در این مسئله و ابعاد پیچیده آن می‌تواند در مداخله و کاهش تبعات آن کمک مؤثری نماید.

اقبال نظری و عملی نیروی انتظامی به موضوع احساس امنیت اجتماعی زنان به ارتقای توان و قابلیت کارکنان و سازمان این نیرو در تعامل و ارتباط سازنده و پویا با این قشر از جامعه در تولید امنیت کمک می‌کند و در نهایت پویایی سازمان و در مقیاس فراتر

از سازمان بسط و گسترش نظم اجتماعی پویا (که تحقق آن موردنظر و انتظار سازمان پلیس است) را در پی دارد.

سنجش و تبیین احساس امنیت اجتماعی زنان در ارزیابی عملکرد پلیس موردنیاز است. امروزه ارزیابی عملکرد ابزاری است کارآمد که مدیریت و کارکنان از طریق آن به نقاط قوت و ضعف سازمان پی‌برده و با ریشه‌یابی آنها و با تکیه بر نقاط قوت اقدامات اصلاحی را برای بهبود عملکرد انجام می‌دهند.

پیشینه پژوهش

پژوهشی در سال 1382 توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان با عنوان «میزان احساس امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان تهرانی» انجام گرفت. پاسخگویان در وضعیت‌های زیر احساس بالایی از ناامنی داشته‌اند: حمل پول نقد به مقدار زیاد، ترک اتومبیل در خیابان بدون قفل و دزدگیر، تردد خانم‌ها به تنهایی در شب و تردد با ماشین‌های مسافربری شخصی در شب (به نقل از بهروان، 1388: 8). شناسایی مسائل امنیتی-اجتماعی زنان در روابط شهری عنوان پژوهشی است که توسط مریم نجیبی در سال 1385 در شهر تهران انجام شده است. براساس نتایج این پژوهش حدود 63% اعلام کرده‌اند جامعه برای زنان اصلاً امن نیست.

بنی‌اسدی و همکاران (1386) در پژوهشی با عنوان «تأثیر نظارت همگانی بر افزایش احساس امنیت در جامعه» نشان می‌دهند که نظارت همگانی اهرم مثبت و مؤثری است که با توسل بر آن رضایتمندی افراد جامعه از بعد امنیت و احساس امنیت و آسایش، جامعه‌پذیری فعالانه و مثبت احاد اجتماع، ظهور و شکوفایی پدیده اعتماد متقابل در جامعه، تعامل گسترده مردم با پلیس، مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌جویی شهروندان تحقق و تأمین می‌گردد (بنی‌اسدی، 1386: 35).

«احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره» عنوان پژوهشی است که توسط ابادری و همکاران (1387) انجام شده است. هدف این پژوهش بررسی احساس ناامنی در تجربه‌ای است که زنان از زندگی روزمره در فضاهای شهری دارند. در بخشی از نتایج و یافته‌های آن آمده است که اگرچه ممکن است فضاهای شهری مخاطرات گوناگونی را برای اقشار اجتماعی مختلف ایجاد کند اما به نظر می‌رسد زنان به دلیل داشتن بدن زنانه

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز 1395)

که می‌تواند از سوی مردان با خطراتی چون تجاوز و اعمال خشونت مواجه‌شود تجربه ویژه‌ای از احساس ناامنی از زندگی در فضای شهری را تجربه می‌کنند و این تجربه در میان گروه‌های مختلف زنان و در طبقات اجتماعی مختلف دارای برخی ویژگی‌های مشابه است.

بیات (1388) پژوهشی را درباره احساس امنیت شهروندان تهرانی به روش پیمایشی انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان احساس ناامنی از حیث جنسیت متفاوت است و عملکرد پلیس در احساس ناامنی تأثیر دارد و شهروندانی که احساس ناامنی بیشتری دارند انتظار عملکرد قوی از پلیس دارند.

نتایج پژوهش تاجران و کلاکی (1388)، که با موضوع «بررسی رابطه جنسیت با نگرش نسبت به عملکرد پلیس بر احساس امنیت (پژوهش در بین شهروندان تهرانی) و با استفاده از روش تحقیق پیمایشی انجام شده، نشان می‌دهد بین نگرش مردان و زنان در برابر تأثیر نقش‌های پلیس بر احساس امنیت جامعه تفاوت معناداری دیده می‌شود و نیز توانمندی عملیاتی پلیس به‌تنهایی نمی‌تواند بر احساس امنیت شهروندان اثرگذار باشد بلکه با آموزش و رفتار حرفه‌ای پلیس در تعامل با جامعه و ارتقای کیفیت عملکرد نیروی انتظامی احساس امنیت شهروندان نیز افزایش خواهد یافت (تاجران و کلاکی، 1389).

«رابطه ویژگی‌های اجتماعی و فردی زنان بر احساس امنیت آنان در اماکن عمومی شهر بندرعباس» عنوان پژوهش عریضی و همکاران است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهای آگاهی از حوادث، نگرش نسبت به عملکرد پلیس، اعتماد نهادی، جرایم و فضای کالبدی شهر و نوع پوشش زنان با احساس امنیت آنها رابطه معناداری وجود دارد (عریضی و همکاران، 1391: 110-91). «سنجش احساس امنیت شهروندان تهرانی و تعیین رابطه آن با اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی» عنوان پژوهش رادان است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اولاً میزان احساس امنیت کلی شهروندان در حد متوسط است و بین احساس امنیت شهروندان و اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی همبستگی معنادار بالایی وجود دارد (رادان، 1392: 83-106).

پژوهشی با عنوان «ترس از جرم و احساس امنیت» در سال 2006 با روش پیمایش و نمونه 2200 نفری در استرالیا انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده این

است که زنان بیشتر از مردان احساس ناامنی می‌نمایند و بیشترین میزان احساس ناامنی ترس از انواع جرایم به‌عنف می‌باشد (به نقل از بیات، 1387: 118). پژوهش دیگری در آفریقای جنوبی با عنوان «پنداشت مردم از امنیت» با حجم نمونه 270 نفری و با روش پیمایش انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان داده است که بیش از 70% در محله خود وحتى در خانه خودشان احساس ناامنی دارند و 74% پاسخگویان به متغیرهایی چون کاهش اعتماد عمومی، اختلال در روابط اجتماعی و بی‌توجهی دولت در افزایش احساس ناامنی اشاره کرده‌اند (همان: 118).

مبانی نظری

احساس امنیت مفهوم چندبعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به‌گونه‌های متفاوتی ظهور می‌یابد. احساس امنیت در امان بودن یا در امان حس کردن جان، مال، هویت و ارزش‌های خود از تهدید، صدمه، آسیب و نبود دغدغه تأمین نیازهای معقول حال و آینده است. امروزه در برداشت از امنیت و احساس آن افزون بر نبودن تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته‌های جمعی نیز مدنظر است. این گفتمان بر نگرش ذهنی و تفسیرگرایانه از خطرات غیرمادی مبتنی است و بر توانایی‌های نرم‌افزاری و سرمایه‌های غیرمادی تأکید دارد که دقیقاً به مفهوم احساس امنیت منتهی می‌شود (واثقی، 1380: 17).

صاحب‌نظران بنام در حوزه امنیت اجتماعی نظریه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند که بسیاری از این نظریه‌ها نقش رویکرد پلیس جامعه‌محور در تأمین امنیت به مفهوم عینی و تقویت احساس امنیت را پررنگ‌تر معرفی کرده‌اند و بر این اساس در پژوهش حاضر نیز رویکرد جامعه‌محوری پلیس در قالب عملکرد و انواع فعالیت‌های سامانه نظارت همگانی و پلیس محله، که تأثیر قابل ملاحظه‌ای در احساس آرامش و امنیت اجتماعی دارند، دنبال شده است.

طرح مباحثی چون مفهوم پلیس جامعه‌محور، که در گفتمان امنیت مدرن مدنظر است، ضرورت توجه به سرمایه اجتماعی پلیس را نیز دوچندان کرده است. در رویکرد جامعه‌محوری سازمان پلیس به‌جای تکیه صرف بر ابزارهای سنتی سرکوب و اعمال قدرت، که لازمه آن تقابل و دوری از جامعه است، با تمام ارکان جامعه تعامل برقرار نموده

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز 1395)

و ضمن توسعه فرایند خدمت‌رسانی به جامعه و مردم از حمایت‌های مختلف مادی و معنوی آنها (سرمایه‌های اجتماعی) در برقراری نظم و امنیت عمومی بهره‌مند می‌شود.

امکان برقراری تماس نزدیک‌تر و سهل‌تر بین پلیس از کانال سامانه نظارت همگانی و پلیس محله و قشر زنان می‌تواند تأثیر به‌مراتب بیشتری در ایجاد احساس امنیت آنها داشته‌باشد. برنامه‌هایی که از این طریق برای تقویت کمی و کیفی ارتباط پلیس با مردم طراحی و عملیاتی می‌شود تأثیر موفقیت‌آمیزی در کاهش احساس ناامنی داشته‌است. به عبارتی، هرچه قدر سطح تماس و دسترسی بیشتر باشد احساس امنیت نیز بیشتر خواهد شد (پناهی و همکاران، 1389: 87).

یکی از اهداف سامانه نظارت همگانی و پلیس محله جلب و تقویت اعتماد عمومی است. در این زمینه نظریه پاتنام قابل بهره‌برداری و استناد است. پاتنام اعتماد را نه صرفاً در سطح روابط اجتماعی و تعاملات بین‌شخصی بلکه در سطح نهادهای اجتماعی و مدنی نیز جستجو می‌کند و با استناد به رهیافت پاتنام در باب اعتماد نهادی می‌توان استدلال کرد که در جوامع پیچیده امروزی اعتماد به نظام‌های انتزاعی و نهادهای اجتماعی (از جمله پلیس) نیز می‌تواند موجب افزایش احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان گردد (پاتنام¹، 1380: 158). لذا، با توجه به اهمیتی که سرمایه اجتماعی (اعتماد عمومی و...) در ایجاد و گسترش پیوندها و مشارکت اجتماعی در میان افراد جامعه و سازمان‌ها دارد می‌توان گفت که هرچه زنان جامعه از سطح تعاملات اجتماعی بالاتری با پلیس برخوردار باشند از پشتوانه‌های حمایتی بیشتری برخوردار خواهند بود و این امر می‌تواند برای آنها حداقل در سطح روانی نوعی حمایت و در نتیجه آرامش خاطر و احساس امنیت را به ارمغان آورد که در این پژوهش این موضوع در قالب رویکرد و پارادایم جامعه‌محوری پلیس (از طریق مکانیسم‌هایی چون سامانه نظارت همگانی و پلیس محله) طرح و تبیین شده‌است. اصل مهم در این رویکرد اعتماد متقابل پلیس و زنان و مشارکت توأم با همدلی و رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است. در دیدگاه جامعه‌محوری امنیت امری جدا از سایر امور و عوامل اجتماعی نیست. هدف پلیس در این رویکرد بالابردن احساس امنیت، آرامش و رضایت شهروندان است و امنیت را با مشارکت اجتماعی

1- Putnam.

تأمین می‌کند. پلیس بخشی از جامعه است و جدای از آن نمی‌باشد و به گفته رابرت بیل «پلیس‌ها مردمند و مردم پلیس هستند» (هس و میلر، 1382: 43-47).

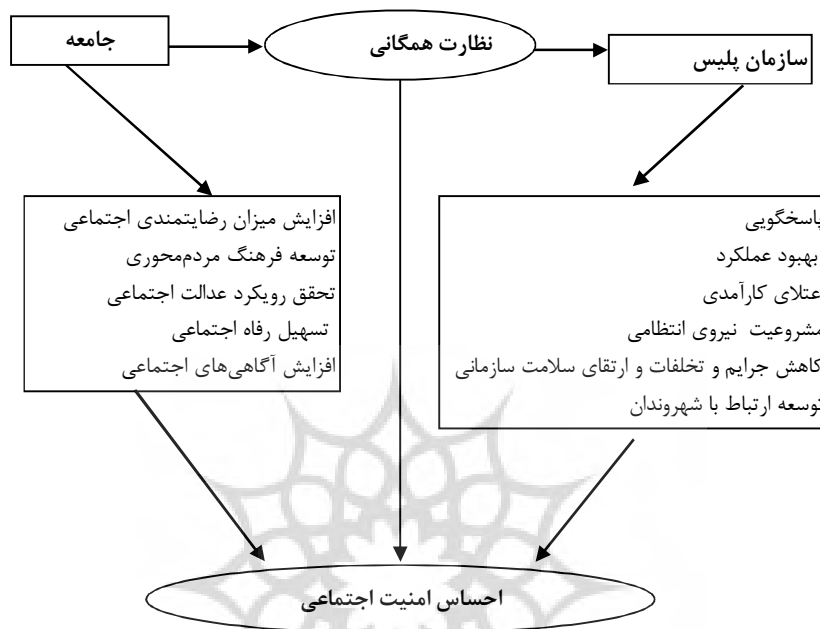
پلیس در طول تاریخ برای تأمین امنیت و احساس امنیت در جامعه از شیوه بهره‌گیری نموده که متناسب با شرایط اجتماعی اثرات متفاوتی از خود برجای گذاشته است:

- توانمندی و کارآمدی پلیس در انجام وظایف و مأموریت‌های ذاتی خویش متناسب با انتظارات و مطالبات روزافزون جامعه؛
- پاسخگویی و حمایت از حقوق شهروندی (زنان) از سوی سازمان و کارکنان پلیس با اهرم‌ها و مکانیزم‌های خاص تعریف‌شده برای آن؛
- اعتمادسازی متقابل مردم (زنان) و پلیس و جلب مشارکت عمومی آنها در تولید و بازتولید پویا و روزآمد امنیت اجتماعی که از اهداف غایی پلیس است. شیوه اخیر از شیوه‌های مدرن پلیس و همان رویکرد پلیس جامعه‌محور می‌باشد (هس و میلر، 1382: 48).

در پژوهش حاضر وجود سامانه نظارت همگانی و فعالیت‌های گسترده آن در بدنه سازمان پلیس از عوامل مؤثر بر احساس امنیت زنان فرض شده است و براساس نتایج بسیاری از پژوهش‌ها امکان وجود رابطه موثق میان نظارت همگانی بر عملکرد پلیس با احساس امنیت اجتماعی منطقی و قابل اثبات می‌باشد. سامانه نظارت همگانی امکان تماس نزدیک‌تر و سهل‌تر مردم با پلیس را فراهم کرده است و همین موضوع باعث تقویت و ارتقای سطح احساس امنیت شهروندان می‌شود. این سامانه نظارتی با جلب افکار عمومی و دریافت نگرش‌ها، ارزش‌ها، بینش‌ها و مطالبات شهروندان و گسترش تعاملات مردم با پلیس در قبول مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی در عرصه‌های تأمین امنیت در جامعه و احساس امنیت از سوی شهروندان و تولید صمیمیت، تعهد و اعتماد متقابل مردم با پلیس، نقش مؤثر و سازنده‌ای را ایفا می‌کنند. زنان زمانی در جامعه احساس آرامش و امنیت می‌کنند که معتقد باشند که از تمامی حقوق حقه آنها دفاع شده و شخصیت، حیثیت، جان، مال، آزادی و استقلال آنها از هرگونه خطر و تهدیدی مصون مانده و همچنین دریابند که در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها از نظرات و

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز 1395)

پیشنهادهای سازنده آنها حداکثر بهره‌برداری به‌عمل آمده‌است. امکان وجود رابطه میان نظارت همگانی و احساس امنیت به‌طور خلاصه در نمودار زیر به نمایش درآمده است.



شکل (1): ارتباط نظارت همگانی و احساس امنیت اجتماعی

علاوه بر سامانه نظارت همگانی فعالیت گسترده پلیس (نگهبان) محله جایگاه ویژه و منحصربه‌فردی در ایجاد نظم و امنیت در جامعه و احساس امنیت شهروندان دارد که در پژوهش حاضر نیز بر این موضوع در قالب رویکرد جامعه‌محوری پلیس برای تبیین احساس امنیت زنان تأکید می‌شود.

نظریه پلیس محله بازتاب و روشی از اداره پلیس مشارکت‌گرا و پلیس جامعه‌محور است (مؤذن جامی، 1378: 68). نگهبان محله به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی وابسته به نیروی انتظامی جایگاه ویژه و منحصربه‌فردی در ایجاد نظم و امنیت در جامعه و احساس امنیت شهروندان دارد.

امنیت عمومی به‌عنوان محصول اجتماعی بیش‌از آن که یک مقوله سیاسی، حکومتی و دولتی باشد مفهومی انسانی و اجتماعی است که مستلزم مشارکت و حضور مردمی در

عرصه‌های مختلف اجتماعی و تعامل آنها با نهادهای انتظامی - امنیتی است. لذا، تصور امنیت بدون در نظر گرفتن عامل انسانی در یک بستر اجتماعی ممکن نبوده و نیازمند پیوند این عوامل است.

نظریه پلیس محلی، که از دهه 1980 میلادی به این سو در امریکا اقبال زیادی یافته است، با مدل‌های معمول پلیس که مقبولیت جهانی دارد و مبتنی بر دیوان‌سالاری تخصصی و فن‌سالارانه است تفاوت زیادی دارد. پلیس محلی همواره در ارتباط و اختلاط با مردم و اجتماع‌های آنها است. مثلاً به‌جای این که پلیس‌ها در مناطق بزرگ و با ماشین گشت بزنند با قدم‌زدن در محله‌ها و مناطق کوچک به حوزه مراقبتشان سرکشی می‌کنند. براساس این مدل پلیس این امر را واجب می‌شمارد که خود را وقف اجتماع محلی کند و درصدد برطرف کردن مشکلات ساکنان محله‌های حوزه مراقبت خود باشد. آنها در پی آن هستند که پیشاپیش نیازها و مشکلات محلی را بشناسند و برای رفع کردن آنها اقدام کنند.

پلیس محله با همکاری و ارتباط با بخش‌های عمومی و نیز شورای شهر-روستا و انجمن‌های محلی و مردمی در بهبود کیفیت زندگی و اتخاذ اقدامات امنیتی و اطمینان‌بخش ساکنان محل کمک می‌کند. بدین ترتیب پلیس محله از طریق ارائه برنامه پیشگیری از بزهکاری علاوه بر مهار و کاهش جرایم محلی درصدد کاهش ترس از جرم و نگرانی مردم از بزه‌دیده‌شدن و تعدیل احساس ناامنی شهروندان نیز می‌باشد. نگهبان محله با اتکا بر جلب بیشترین میزان مشارکت شهروندان پا به عرصه گذاشته و از آن‌جا که زندگی اجتماعی بیش‌از هر چیز دیگر به نحو غالب با اجتماعات محلی منطبق است بر این اساس می‌توان رابطه مستقیمی را از طریق سازوکار جلب مشارکت مردمی میان نگهبان محله و احساس امنیت اجتماعی برقرار کرد. به‌طور کلی، تئوری پلیس محله با توجه به رویکرد انتظامی، امنیتی، جامعه‌شناختی و سیاسی رویکردی است که بر مبنای نیاز محلات شهرها و با توجه به تهدیدآوری جرایم تئوریزه شده است. در اصل این تئوری بر اصل برنامه‌ریزی محله مبنای متکی است و از این طریق امنیت اجتماعی را از سطح خرد به سطح کلان پیوند می‌دهد (موسوی، 1383: 12).

نگهبان محله فعالیت‌های خود را بر پیشگیری از وقوع جرم متمرکز می‌سازد و بر این اساس برقراری امنیت اجتماعی را در هر کوی و برزن در دستور کار خود قرار می‌دهد تا از این طریق پلیس به‌عنوان یک عضو اجتماعی محله محسوب گردد و با شناختی که پلیس محله از وضعیت آن محله دارد به رفع نیازهای شهروندان از جمله بسترسازی

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز 1395)

امنیت اجتماعی محله و ارتقای احساس امنیت شهروندان بپردازد تا با کمک شهروندان آن منطقه بتواند نقاط جرم‌خیز را محدود و پاک‌سازی نماید و با ایجاد نوعی احساس امنیت روانی و اجتماعی اعتماد، انسجام و مشارکت را در میان شهروندان تحت عنوان سرمایه اجتماعی زیر پوشش خود قرار دهد.



شکل (2): مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

1. بین نگرش زنان نسبت به عملکرد سامانه نظارت همگانی و احساس امنیت آنان رابطه وجود دارد؛
2. بین نگرش زنان نسبت به عملکرد پلیس محله و احساس امنیت آنان رابطه وجود دارد؛
3. بین ویژگی‌ها و زمینه‌های فردی و اجتماعی زنان (سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل، درآمد و منطقه محل سکونت) با احساس امنیت آنان رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

در این پژوهش روش تحلیل کمی (پیمایش) به کار رفته است. تحلیل‌ها در دو سطح توصیفی و تبیینی انجام شده و برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. در سطح توصیفی از تکنیک جدول‌های فراوانی و شاخص درصد میانگین‌ها و در سطح تبیینی نیز از تکنیک رگرسیون و تحلیل عاملی بهره گرفته شده است. واحد تحلیل براساس ماهیت موضوع و مسئله این پژوهش فرد می‌باشد. واحدهای مشاهده را

هریک از افراد(زنان) خانوارهای معمولی ساکن در شهر تهران که سن آنها بین 15 تا 64 سال است تشکیل می‌دهند. حجم نمونه براساس فرمول کوکران 350 نفر تعیین شد. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده‌است. در این پژوهش احساس امنیت زنان به‌عنوان متغیر وابسته تحقیق است. مفهوم اصطلاحی امنیت در بعد عینی آن فقدان تهدید علیه ارزش‌های حاکم در یک جامعه و در بعد ذهنی آن همان احساس امنیت است. احساس امنیت درامان‌بودن یا در امان حس کردن جان، مال، هویت و ارزش‌های خود از تهدید، صدمه، آسیب و نبود دغدغه تأمین نیازهای معقول حال و آینده است که دارای 4 بعد روانی، جانی، ناموسی و مالی می‌باشد و برای سنجش آن از 20 گویه و در قالب طیف لیکرت استفاده شده است.

عملکرد پلیس جامعه‌محور متغیر مستقل پژوهش را تشکیل می‌دهد. در این پژوهش مراد از رویکرد جامعه‌محوری پلیس افزایش ارتباط پلیس با جامعه(جلب مشارکت عمومی)، اطمینان‌دادن به شهروندان (کاهش ترس زنان) و اعتمادسازی آنها از طریق سامانه نظارت همگانی و عملکرد پلیس محله بر پایه و بنیاد این رویکرد می‌باشد. بر این اساس، این متغیر خود دارای دو مؤلفه کلان(عملکرد سامانه نظارت همگانی (197) و عملکرد پلیس محله) می‌باشد و هر یک با 20 گویه و در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. سنجش نگرش زنان نسبت به عملکرد سامانه نظارت همگانی و پلیس محله نیز با استفاده از شاخص‌هایی چون: امکان برقراری تماس نزدیک‌تر و سهل‌تر، جلب اعتماد و مشارکت اجتماعی، مقبولیت، کارایی، رعایت ارزش‌های اخلاقی، پاسخگویی، احترام به حقوق شهروندی، اطلاع‌رسانی و ایجاد آگاهی از وظایف و عملکرد پلیس، پیشگیری و مبارزه جدی با جرایم و سایر فعالیت‌ها و عملکردها سامانه نظارت همگانی و پلیس محله انجام شده است.

برای ارزیابی پایایی مقیاس‌های پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده و میزان آلفای کرونباخ به دست آمده برای تمامی شاخص‌های پژوهش بزرگ‌تر از 0,70 می‌باشد که این موضوع نشان‌دهنده همبستگی درونی مطلوب بین متغیرها برای سنجش مفاهیم موردنظر بوده و بدین ترتیب می‌توان گفت که پژوهش انجام شده از قابلیت اعتماد و یا پایایی لازم برخوردار است. به منظور بررسی روایی سازه ابزار اندازه‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. تمامی بارهای عاملی مدل سنجش احساس امنیت و عملکرد پلیس جامعه‌محور(عملکرد سامانه نظارت

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز 1395)

همگانی و عملکرد پلیس محله) بالاتر از 0,3 و مطلوب می‌باشند. همچنین باتوجه به شاخص‌های برازش می‌توان گفت معرف‌های انتخاب‌شده برای سنجش شاخص‌های یادشده از اعتبار لازم برخوردار می‌باشند و به‌خوبی می‌توانند آنها را بسنجند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا یافته‌های توصیفی و سپس یافته‌های تبیینی پژوهش ذکر می‌شوند. دامنه تغییرات سنی پاسخگویان بین 15 تا 65 سال می‌باشد که به‌طور میانگین جمعیت مورد مطالعه 39 سال سن داشته‌اند. بیش از نیمی از پاسخگویان مورد مطالعه (59%) متأهل و مابقی (34%) مجرد و 7% همسرشان فوت‌شده یا مطلقه می‌باشند. بیش از یک‌سوم پاسخگویان مورد مطالعه (129 نفر معادل 37%) دارای تحصیلات دیپلم و فوق‌دیپلم می‌باشند. در رتبه دوم پاسخگویان با 32% تحصیلات لیسانس می‌باشند. بیش از یک‌سوم پاسخگویان (36%) خانه‌دار بوده و پاسخگویان شاغل در بخش خصوصی نیز با 31% در رتبه دوم وضعیت شغلی قرار دارند. دامنه تغییرات درآمد ماهانه خانواده پاسخگویان بین 400 هزار تومان تا 7 میلیون تومان می‌باشد که میانگین درآمد ماهانه خانواده پاسخگویان 2 میلیون و 900 هزار تومان می‌باشد.

بررسی ابعاد شاخص احساس امنیت

احساس امنیت جانی: طبق اطلاعات جدول زیر احساس امنیت جانی زنان در حد متوسط می‌باشد به‌نحوی که 34% از پاسخگویان در حد کم و 30% در حد زیاد از نظر جانی احساس امنیت می‌کنند.

احساس امنیت ناموسی: باتوجه به دامنه تغییرات شاخص و میانگین به‌دست‌آمده می‌توان گفت میزان احساس امنیت زنان در این حوزه متوسط روبه‌بالا می‌باشد.

احساس امنیت روانی: باتوجه به دامنه تغییرات شاخص و میانگین به‌دست‌آمده می‌توان گفت میزان احساس امنیت زنان در این حوزه نیز متوسط روبه‌بالا می‌باشد.

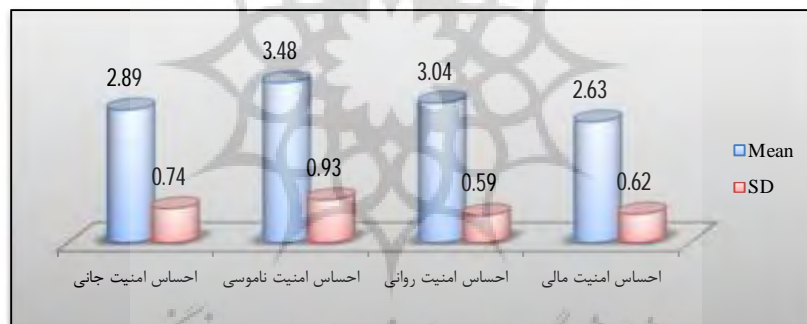
احساس امنیت مالی: نتایج حاصل از بررسی احساس امنیت مالی زنان جمعیت مورد مطالعه حاکی از این است که در مجموع زنان در این بعد در قیاس با 3 بعد دیگر از

احساس امنیت پایین تری برخوردارند به نحوی که 43% اظهار کرده‌اند از نظر مالی احساس امنیت کمتری دارند.

مقایسه احساس امنیت زنان در 4 حوزه: زنان از نظر ناموسی و مالی به ترتیب بیشترین و کمترین میزان احساس امنیت را داشته‌اند.

جدول (1): توزیع نسبی پاسخگویان برحسب ابعاد شاخص احساس امنیت

ابعاد	کم	متوسط	زیاد	کل	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
احساس امنیت جانی	120	125	105	350	2,89	0,74	1	5
	34,3 %	35,7 %	30 %	100				
احساس امنیت ناموسی	123	147	80	350	3,48	0,93	1	5
	35,1 %	42 %	22,9 %	100				
احساس امنیت روانی	133	123	94	350	3,04	0,59	1	5
	38 %	35,1 %	26,9 %	100				
احساس امنیت مالی	149	111	90	350	2,63	0,62	1	5
	42,6 %	31,7 %	25,7 %	100				



نمودار (1): شاخص‌های آماری ابعاد شاخص احساس امنیت پاسخگویان

بررسی ابعاد شاخص ارزیابی از عملکرد پلیس جامعه محور

عملکرد سامانه نظارت همگانی (197): طبق اطلاعات جدول زیر عملکرد سامانه نظارت همگانی از دیدگاه زنان از مطلوبیت متوسط روبه پایین برخوردار است.

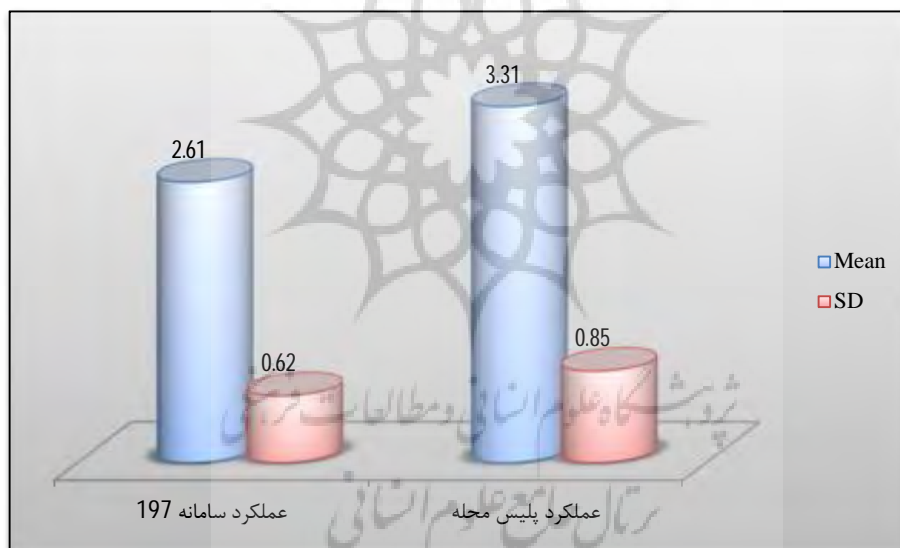
پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز 1395)

عملکرد پلیس محله: نتایج حاصل از سنجش عملکرد پلیس محله مؤید این مطلب است که زنان ارزیابی مطلوبی از عملکرد پلیس محله داشته‌اند به نحوی که 46% عملکرد پلیس محله را مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

مقایسه ارزیابی پاسخگویان از ابعاد عملکرد پلیس جامعه‌محور حاکی از این است که زنان جمعیت مورد مطالعه عملکرد سامانه نظارت همگانی را نسبتاً نامطلوب و عملکرد پلیس محله را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

جدول (2): توزیع نسبی پاسخگویان برحسب ابعاد شاخص عملکرد پلیس جامعه‌محور

ابعاد		نامطلوب				مطلوب				کل	میانگین انحراف معیار	کمترین	بیشترین
عملکرد سامانه نظارت همگانی (197)	F	145	171	34	350	2,60	0,62	1	5				
	%	41,4	48,9	9,7	100								
عملکرد پلیس محله	F	72	116	162	350	3,31	0,85	1	5				
	%	20,6	33,1	46,3	100								



نمودار (2): ارزیابی پاسخگویان از ابعاد شاخص عملکرد پلیس جامعه‌محور

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه نخست: «بین نگرش زنان نسبت به عملکرد پلیس جامعه‌محور و احساس امنیت آنان رابطه وجود دارد». برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن به قرار زیر است.

جدول (3): ماتریس همبستگی رابطه بین نگرش زنان نسبت به عملکرد پلیس جامعه‌محور و احساس امنیت

متغیر	متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
نگرش زنان نسبت به عملکرد پلیس جامعه‌محور	احساس امنیت جانی	0,247	0,001
	احساس امنیت ناموسی	0,248	0,001
	احساس امنیت روانی	0,323	0,001
	احساس امنیت مالی	0,289	0,001
	احساس امنیت	0,322	0,001

مطابق اطلاعات مندرج در جدول بالا و نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون و با توجه به مقدار ضریب همبستگی ($r = 0,322$) می‌توان گفت بین نگرش زنان نسبت به عملکرد پلیس جامعه‌محور و احساس امنیت آنان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه زنان پلیس را جامعه‌محورتر ارزیابی کنند احساس امنیت آنان نیز افزایش می‌یابد. نتایج حاصل از بررسی رابطه بین نگرش زنان نسبت به عملکرد پلیس جامعه‌محور و ابعاد احساس امنیت نیز حاکی از این است که این متغیر با همه ابعاد احساس امنیت رابطه مستقیم و معناداری دارد به نحوی که این رابطه در بعد احساس امنیت روانی قوی‌تر از بقیه ابعاد است.

فرضیه دوم: «بین نگرش زنان نسبت به عملکرد سامانه نظارت همگانی و احساس امنیت آنان رابطه وجود دارد». برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن به قرار زیر است.

جدول (4): ماتریس همبستگی رابطه بین نگرش زنان نسبت به عملکرد سامانه 197 و احساس امنیت

متغیر	متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
نگرش زنان نسبت به عملکرد سامانه 197	احساس امنیت جانی	0,113	0,034
	احساس امنیت ناموسی	0,134	0,012
	احساس امنیت روانی	0,297	0,001
	احساس امنیت مالی	0,220	0,001
	احساس امنیت	0,242	0,001

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز 1395)

مطابق یافته‌های جدول بالا و نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون و باتوجه به مقدار ضریب همبستگی ($r=0,242$) می‌توان گفت بین نگرش زنان نسبت به عملکرد سامانه نظارت همگانی و احساس امنیت آنان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، با مثبت‌تر شدن نگرش زنان نسبت به عملکرد سامانه نظارت همگانی (197) احساس امنیت آنان نیز افزایش می‌یابد. نتایج حاصل از بررسی رابطه بین نگرش زنان نسبت به عملکرد سامانه نظارت همگانی (197) و ابعاد احساس امنیت نیز حاکی از این است که این متغیر با همه ابعاد احساس امنیت رابطه مستقیم و معناداری دارد به نحوی - که این رابطه در بعد احساس امنیت روانی قوی‌تری است.

فرضیه سوم: «بین نگرش زنان نسبت به عملکرد پلیس محله و احساس امنیت آنان رابطه وجود دارد». برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن به قرار زیر است.

جدول (5): ماتریس همبستگی رابطه بین نگرش زنان نسبت به عملکرد پلیس محله و احساس امنیت

متغیر	متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
نگرش زنان نسبت به عملکرد پلیس محله	احساس امنیت جانی	0,271	0,001
	احساس امنیت ناموسی	0,256	0,001
	احساس امنیت روانی	0,244	0,001
	احساس امنیت مالی	0,253	0,001
	احساس امنیت	0,284	0,001

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون مؤید این مطلب است که باتوجه به مقدار ضریب همبستگی ($r=0,284$) می‌توان گفت بین نگرش زنان نسبت به عملکرد پلیس محله و احساس امنیت آنان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، با مثبت‌تر شدن نگرش زنان نسبت به عملکرد پلیس محله احساس امنیت آنان نیز افزایش می‌یابد. نتایج حاصل از بررسی رابطه بین نگرش زنان نسبت به عملکرد پلیس محله و ابعاد احساس امنیت نیز حاکی از این است که این متغیر با همه ابعاد احساس امنیت رابطه مستقیم و معناداری دارد به نحوی که با احساس امنیت جانی دارای رابطه قوی‌تری است.

فرضیه پنجم (متغیرهای زمینه‌ای): در خصوص رابطه بین تحصیلات زنان و احساس امنیت آنان نتایج حاصل از آزمون خی‌دو ($\chi^2=16,779$) که در سطح معناداری ($=0,032$)

(Sig) است نشان می‌دهد که بین تحصیلات زنان و احساس امنیت آنان رابطه معناداری وجود دارد بدین معنی که با توجه به توزیع نسبت‌ها احساس امنیت زنان با تحصیلات مختلف متفاوت است به نحوی که احساس امنیت زنان با تحصیلات دکتری کمتر از سایرین می‌باشد.

در خصوص رابطه شغل زنان و احساس امنیت آنان نتایج حاصل از آزمون خی‌دو ($\chi^2=19,928$) که در سطح معناداری (Sig = 0,030) است نشان می‌دهد که بین شغل زنان و احساس امنیت آنان رابطه معناداری وجود دارد بدین معنی که با توجه به توزیع نسبت‌ها احساس امنیت زنان با وضعیت شغلی مختلف متفاوت است به نحوی که احساس امنیت زنان شاغل در بخش دولتی بیشتر از سایرین می‌باشد.

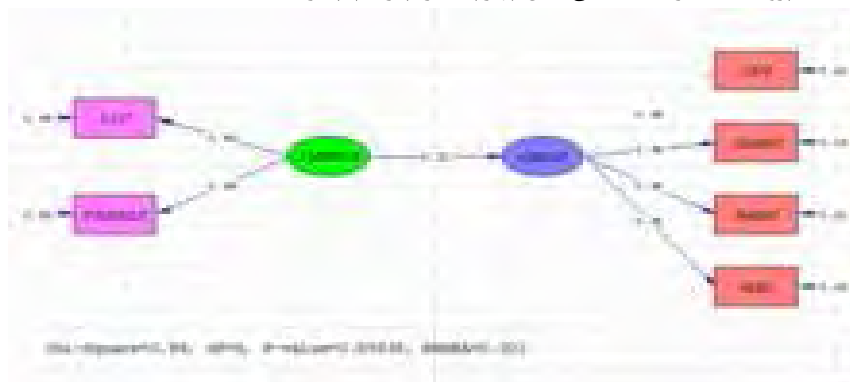
در خصوص رابطه بین میزان درآمد ماهانه خانواده زنان و احساس امنیت آنان نتایج حاصل از آزمون خی‌دو ($\chi^2=19,626$) که در سطح معناداری (Sig = 0,001) است نشان می‌دهد بین میزان درآمد ماهانه خانواده زنان و احساس امنیت آنان رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی، با افزایش میزان درآمد میزان احساس امنیت زنان نیز افزایش می‌یابد به نحوی که زنان با درآمد خانواده بالای 3 میلیون تومان نسبت به دو گروه درآمدی دیگر احساس امنیت بیشتری می‌کنند.

در خصوص رابطه بین منطقه محل سکونت زنان و احساس امنیت آنان نتایج حاصل از آزمون خی‌دو ($\chi^2=29,542$) که در سطح معناداری (Sig = 0,001) است نشان می‌دهد که بین منطقه محل سکونت زنان و احساس امنیت آنان رابطه معناداری وجود دارد بدین معنی که زنان ساکن در منطقه 5 بیشترین و زنان ساکن در منطقه 12 کمترین میزان احساس امنیت را داشته‌اند. سایر فرضیه‌های مربوط به ارتباط میان متغیرهای زمینه‌ای و احساس امنیت زنان نیز در پژوهش حاضر تأیید نشده است.

مدل معادلات ساختاری

در مدل مفهومی پژوهش فرض شده بود که نگرش زنان نسبت به عملکرد پلیس جامعه‌محور (با شاخص‌های نگرش نسبت به عملکرد سامانه نظارت همگانی (197) و نگرش نسبت به عملکرد پلیس محله) بر احساس امنیت زنان (با شاخص‌های احساس امنیت جانی، احساس امنیت ناموسی، احساس امنیت روانی و احساس امنیت مالی) تأثیر دارند. بر این اساس مدل معادلات ساختاری پژوهش به شکل زیر می‌باشد.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز 1395)



نمودار(4): مدل ساختاری تأثیر عملکرد پلیس جامعه‌محور بر احساس امنیت زنان (در حالت استاندارد)

جدول(6): نتایج اجرای مدل ساختاری تأثیر عملکرد پلیس جامعه‌محور بر احساس امنیت زنان

نتیجه	ضریب معناداری (t-value)	ضریب استاندارد (β)	فرضیه
معیار	5/03	0/31	عملکرد پلیس جامعه‌محور ← احساس امنیت زنان
$Chi^2 = 3/99$ $df = 8$ $RMSEA = 0/001$ $GFI = 0/99$ $AGFI = 0/98$ $CFI = 0/99$ $NFI = 0/99$ $RMR = 0/019$			

تفسیر فرضیه

باتوجه به ضریب معناداری ($t = 5/03$) جدول بالا به‌خاطر این که در بازه $-1/96$ تا $1/96$ قرار نگرفته است و باتوجه به میزان تأثیر ($\beta = 0/31$) می‌توان گفت بین عملکرد پلیس جامعه‌محور و احساس امنیت زنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری

تصور غالب این است که احساس ناامنی با نهادها و سازوکارهای امنیت مرتبط می‌باشد که مسئله جرم و ناهنجاری‌های جامعه و به‌تبع آن پلیس و عملکرد آن در این میان جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد و بنیاد نظری این پژوهش نیز بر این فرض استوار شد. در بخش یافته‌های استنباطی به تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرها پرداخته شده است که به برخی از نکات به شرح زیر می‌توان اشاره کرد.

نتایج حاصل از شاخص‌های آماری گویای این است که در مجموع میزان احساس امنیت زنان جمعیت مورد مطالعه در حد متوسط به پایین است. نتایج حاصل از بررسی

احساس امنیت مالی زنان جمعیت مورد مطالعه حاکی از این است که در مجموع زنان در این بعد از احساس امنیت و در قیاس با 3 بعد دیگر (احساس امنیت جانی، روانی و ناموسی) از احساس امنیت پایین‌تری برخوردارند. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌هایی چون مرکز افکارسنجی دانشجویان (1382) و رادان (1392) مطابقت دارد.

بین تأهل و احساس امنیت زنان رابطه معنادار وجود ندارد. این نتیجه مطابق با نتایج پژوهش ربانی (1388) بوده و آن را تأیید می‌کند. احساس امنیت زنان در مناطق مختلف شهر تهران متفاوت است به گونه‌ای که با توجه به توزیع نسبت‌ها زنان ساکن در منطقه 5 بیشترین و زنان ساکن در منطقه 12 کمترین میزان احساس امنیت را داشته‌اند و این نتایج با عنایت به بافت جمعیتی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و وضعیت امنیت به مفهوم عینی آن در مناطق یادشده منطقی به نظر می‌رسد و این نتیجه همسو با یافته‌های پژوهش نوروزی (1388) و محمدی (1390) می‌باشد. احساس امنیت پاسخگویان براساس سن آنها متفاوت نیست و بر این اساس با پژوهش‌های ربانی (1389) و کامران (1389) مطابقت دارد. احساس امنیت پاسخگویان براساس شغل آنها متفاوت است و این نتیجه تأییدکننده نتایج پژوهش نوروزی (1388) و محمدی (1390) می‌باشد. بین احساس امنیت پاسخگویان براساس تحصیلات آنها تفاوت معناداری وجود دارد. این رابطه در پژوهش بیات (1387) و نجیبی و ربیعی (1385) نیز تأیید شده است. بین احساس امنیت پاسخگویان براساس درآمد خانواده آنها تفاوت معناداری وجود دارد. این رابطه در پژوهش نوروزی (1388)، کامران (1389) و نجیبی و ربیعی (1385) نیز تأیید و در پژوهش ربانی (1388) رد شده است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد با ارتقاء و تقویت هریک از متغیرهای مربوط به عملکرد پلیس شاهد افزایش احساس امنیت اجتماعی زنان در جامعه مورد بررسی می‌باشیم. براساس نتایج این پژوهش میان مشارکت از کانال سامانه نظارت همگانی و پلیس محله با احساس امنیت زنان رابطه منطقی وجود دارد. رابطه پلیس و جامعه، به‌ویژه در رویکردهای جدید پلیس، جایگاه خاصی را برای کنترل جرایم و به تبع آن در احساس امنیت باز کرده است. امروز راهبرد پلیس جامعه‌محور مورد توجه بیشتر پلیس‌های جهان قرار گرفته است که هدف آن ایجاد مشارکت بین پلیس و جامعه

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز 1395)

می‌باشد و از این رهگذر است که پلیس می‌تواند امیدوار باشد که با پیشگیری و کنترل جرایم زمینه احساس امنیت را فراهم نماید.

پلیس جامعه‌محور عبارت‌است از راهبرد و خط‌مشی انتظامی که با هدف دستیابی به کنترل مؤثر و کارآمد جرایم، کاهش ترس از جرم و جنایت، توسعه کیفیت زندگی، توسعه سرمایه‌های اجتماعی و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه بر منابع جامعه است که درصدد تغییر شرایط جرم‌خیز هستند. این امر مستلزم مسئولیت‌پذیری پلیس و سهیم‌شدن هرچه بیشتر جامعه در فرایند تصمیم‌گیری و توجه بیشتر به حقوق و تکالیف متقابل پلیس و شهروندان و در این پژوهش زنان است.

براساس یافته‌های پژوهش، سامانه نظارت همگانی ناجا (197) از طریق اعتمادسازی، جلب مشارکت‌های اجتماعی و بازتولید و تقویت سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند حلقه مفقوده حل و تبیین حداقل بخشی از مسئله احساس ناامنی زنان باشد. نگهبان محله (پلیس محله) به‌عنوان یکی دیگر از رویکردهای نوین انتظامی در حوزه نظم و امنیت و احساس امنیت در این پژوهش مطرح است. پلیس بعد از عبور از رویکردها و مراحل مختلف جایگاه مردمی برای خود تعریف کرده و اساس نظم و امنیت را بر مشارکت و برانگیختن وجدان مردمی صورت‌بندی کرده است.

پیشنهادها

– نیروی انتظامی (سازمان پلیس) به‌طورعام و نهاد نظارت همگانی به‌طورخاص به‌منظور تقویت رویکرد جامعه‌محوری خود در مسیر دستیابی به توسعه احساس آرامش و امنیت در جامعه بیشتر باید سازمانی حرفه‌ای و بهره‌مند از دانش فنی و اجتماعی باشد به‌گونه‌ای که این حرفه‌گرایی و تخصصی‌شدن از سطح دانش فنی فراتر رفته و از دانش عملی مناسب به لحاظ جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، حقوقی و سیاسی نیز برای برقراری تعامل مناسب با جامعه و مردم برخوردار باشد؛

– از عوامل دیگر مؤثر در احساس امنیت زنان از کانال نهاد نظارت همگانی پلیس پاسخگویی این نهاد است. پاسخگویی یکی از مصادیق مسئولیت‌پذیری است. نظارت همگانی به مطالبات و نقدهایی می‌انجامد. بی‌تفاوتی در قبال آنها و نقدگریزی سبب

اعراض شهروندان از نظارت همگانی می‌شود. پاسخگویی محتاج نظام جامعی است که بتواند فرایندهای اقبال به دیدگاه‌ها، اخذ داده‌ها، تبدیل داده‌ها به اطلاعات، تحلیل اطلاعات و درنهایت تولید دانش و ورود نتایج آن به فرایند تصمیم‌سازی و اعلام اقدام‌ها و گزارش‌دهی را سامان بخشد و آنها را هدایت کند؛

– اطلاع‌رسانی فراگیر و مستمر از دستاوردها، خدمات و شفاف‌سازی بیشتر از فرایند فعالیت‌ها و نیز نارسایی‌ها و ناکامی‌ها و آسیب‌شناسی نظارت همگانی صورت پذیرد که در صورت تحقق این مهم مراکز یادشده از نظر مردم به‌عنوان نهادی پیش‌بینی‌پذیر خواهد بود طوری که حاضر خواهند بود به‌گونه‌ای معتمدانه در نظارت همگانی مشارکت نمایند. در صورت تحقق این مهم بدون تردید احساس آرامش خاطر و امنیت اجتماعی را نیز تأمین خواهد شد؛

– تمرکززدایی و تفویض بخشی از وظایف برقراری امنیت عمومی در شهر به شهروندان و سازمان‌های محلی می‌تواند علاوه بر این که سرمایه اجتماعی پلیس را در میان شهروندان افزایش دهد باعث ارتقای احساس امنیت عمومی نیز شود. در این زمینه نیروی انتظامی می‌تواند با ایجاد و تقویت بخش‌هایی مانند پلیس محله، توسعه نظارت همگانی، پلیس افتخاری و مواردی از این قبیل زمینه مشارکت و همکاری مردم در حوزه‌های مختلف مربوط به پیشگیری و مبارزه با جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی را فراهم آورد؛

– ادراک حضور پلیس و قابلیت دسترسی شهروندان به پلیس در مواقع نیاز و حضور به‌موقع آنها در صحنه‌های جرم به‌عنوان مهم‌ترین عامل نگرشی تأثیرگذار در ایجاد احساس امنیت اجتماعی است. این مهم از طریق حضور مشهود پلیس در مجامع عمومی و محله‌ها امکان‌پذیر است. این حضور موجب احساس امنیت و احساس مصونیت از آسیب‌های اجتماعی از جانب زنان می‌شود. برخی از شیوه‌های حضور پلیس شامل ایجاد ایستگاه‌های موقتی و سیار و گشت پیاده و خودرویی می‌باشد؛

– پلیس باید در سطح محله‌ها از طریق نشست‌های تخصصی با ساکنان محلی، گفتگو و برقراری ارتباط با تمامی معتمدان محل، امامان جماعت، رؤسای اصناف و مجتمع‌های

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز 1395)

مسکونی از طرفی باعث ایجاد انسجام اجتماعی لازم و پیشگیری از جرایم شده و از طرفی دیگر زمینه‌های تقویت احساس امنیت اجتماعی را فراهم آورد؛

- در خصوص رابطه بین منطقه محل سکونت زنان و احساس امنیت آنان نتایج حاصل از آزمون آماری مربوطه نشان می‌دهد که زنان ساکن در منطقه 12 (از مناطق فقیرنشین) کمترین میزان احساس امنیت را داشته‌اند. بر این اساس ضروری است که پلیس با اسقرار گشت‌های ثابت و سیار خود در تمام مدت شبانه‌روز به کنترل و نظارت بیشتر این مناطق بپردازد تا اختلالات فیزیکی و اجتماعی موجود در این مناطق کاهش یافته و در نتیجه احساس امنیت ساکنان آن نیز بهبود یابد؛

- آمارهای توصیفی مربوط به میزان احساس امنیت زنان به تفکیک ابعاد مختلف آن نشان می‌دهد که بعد احساس امنیت مالی دارای میانگین کمتری از سایر ابعاد است. بر این اساس پلیس به ویژه پلیس آگاهی باید در این زمینه اقدامات و تمهیداتی را متناسب با شرایط و عوامل مؤثر بر این مسئله پیش‌بینی و عملیاتی کند و در این خصوص باید عملکرد قرارگاه جهادی مبارزه با سرقت در سطح سازمان پلیس بیش-ازپیش تقویت شده و تداوم یابد؛

- نتایج توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که برخی از جرایم و ناهنجاری‌های موجود علیه زنان از قبیل تجاوز به عنف و آزار و اذیت جنسی، ایجاد مزاحمت‌ها و آزار و اذیت‌های زبانی، جسمی، روحی و روانی و... تأثیر مضاعفی بر احساس ناامنی از جانب زنان دارد. لذا، پلیس باید با قاطعیت و اقتدار بیشتر در پیشگیری و مبارزه با این‌گونه جرایم عمل کند؛

در ادامه پیشنهادهای جزئی‌تری به‌طور اختصار آورده شده است:

- ارایه مشاوره و مددکاری برای گروه‌های آسیب‌پذیر زنان در حوزه عملکرد نیروی انتظامی؛

- توسعه فضایی و آمایش سرزمینی پلیس از تمرکز بر ساختار بندی‌های انتظامی بر ساختار بندی‌های فضایی اجتماعی و به‌ویژه محله‌ها متناسب با شرایط متحول محیطی؛

- رفتار سازمانی کارکنان، به‌ویژه کارکنانی که با زنان مرادده و تماس دارند، استانداردسازی شود؛
- پلیس در پاسخ به فراخوان شهروندان از طریق سامانه 110، 197 و... با سرعت، دقت و اثربخشی بیشتری عمل کند؛
- باتوجه به این‌که پاسخگویان در مورد امنیت محیطی- قدم‌زدن در معابر شهری به هنگام شب- کم‌ترین میزان احساس امنیت را ابراز کرده‌اند پیشنهاد می‌شود نیروی انتظامی رسیدگی بیشتر به این وجه از امنیت اجتماعی را در اولویت‌های خود قرار دهد؛
- پژوهش حاضر و سایر پژوهش‌های کمی از این دست فقط می‌توانند تبیین‌گر بخشی از واقعیت مسئله و موضوع احساس امنیت زنان باشند. لذا، انجام مطالعات و پژوهش‌های کیفی به‌عنوان مکمل و در کنار پژوهش‌های کمی و توصیفی به- منظور واکاوی و شناخت سایر ابعاد پنهان و علل گوناگون و همچنین سازوکارهای دیگر شکل‌دهنده و تقویت‌کننده موضوع احساس امنیت زنان ضروری به نظر می‌رسد.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز 1395)

منابع

- ابادری، یوسف؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ حمیدی، نفیسه (1387)، احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره، پژوهش زنان، دوره 6، شماره 1، بهار 1387، صص 10-75.
- احمدی، یعقوب؛ عطاء، اسماعیلی (1389)، سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چندبعدی و میان‌رشته‌ای در شهر مشهد»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال 21، شماره 2.
- بنی‌اسدی و همکاران (1386)، تبیین تأثیر اجتماعی نظارت همگانی، مجموعه مقالات اولین همایش ناجا و نظارت همگانی، تهران: مرکز نظارت همگانی ناجا.
- بیات، بهرام (1387)، تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی، نامه علوم اجتماعی، شماره 35.
- بیات، بهرام (1388)، بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی با تأکید بر رسانه‌های جمعی، عملکرد پلیس و بروز جرایم، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره 1.
- بهروان، حسین (1388)، مقایسه ابعاد و زمینه‌های احساس ناامنی در همسران عادی و ایثارگر؛ نمونه موردی: استان خراسان رضوی، مجله پژوهش زنان، شماره 2، دوره 7.
- باتنام، رابرت (1380)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر سلام.
- پناهی، حمید و دیگران (1389)، افزایش احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهری با اجرای طرح مبارزه با اراذل و اوباش، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره 22، معاونت اجتماعی ناجا.
- تاجران، عزیزاله، کلاکی، حسن (1388)، بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی، فصلنامه مدیریت انتظامی، سال چهارم، شماره 4.
- رادان، احمدرضا (1392)، سنجش احساس امنیت شهروندان تهرانی و تعیین رابطه آن با اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره 3، پاییز 1392، صص 83-106.
- ربانی، رسول و همکاران (1389)، تأثیر رسانه‌های جمعی بر احساس ناامنی زنان، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره 4.
- عریضی، فروغ‌السادات (1391)، رابطه ویژگی‌های اجتماعی و فردی زنان بر احساس امنیت آنان در اماکن عمومی شهر بندرعباس، مطالعات شهری، سال دوم، شماره 4، صص 91-110.
- کامران، فریدون؛ سمیه، سعادت‌نظرلو (1389)، بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر احساس آرامش و امنیت اجتماعی زنان دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه‌های تهران، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سوم، شماره 6.

- کارن، ام‌هس؛ لینداس، میلر (1382)، پلیس در اجتماع: راهبردهایی برای قرن بیست‌ویکم، ترجمه محمدرضا کلهر، تهران: نشر سروش.
- لرنی، منوچهر (1383)، آسیب‌شناسی امنیت، تهران: انتشارات پیام پویا.
- محمدی، سحر؛ محمدی، اکرم (1390)، بررسی عوامل مؤثر بر ناامنی دختران 16-25 ساله شهر سنجند، فا.ا.کردستان، معاونت اجتماعی.
- موسوی، یعقوب (1383)، بررسی سیاست‌های شهری و توسعه اجتماعی، نوع محله‌ای تجزیه‌ای جامعه‌شناختی، چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای، چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، چاپ اول، شهرداری.
- مؤذن جامی، محمدهادی (1378)، درآمدی بر دکترین انتظامی، فصلنامه دانش انتظامی.
- نوروزی، فیض‌اله؛ فولادی سپهر، سارا (1388)، بررسی احساس امنیت زنان 15-39 ساله شهر تهران در دو بعد احساس امنیت در محیط خانواده و احساس امنیت در مکان‌های عمومی، فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران، سال اول، تابستان 1388، صص 55-72.
- نجیبی ربیعی، مریم (1385)، بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت با تأکید بر سرمایه اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- نجار نهاوندی، مریم؛ آهنگر صلابتی، اعظم (1389)، بررسی جامعه‌شناختی احساس امنیت جنسی زنان، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره 3، پاییز 1389.
- واثقی، قاسم (1380)، تدابیر و سیره عملی علی (ع) در تأمین امنیت اجتماعی، مرکز تحقیقات و پژوهش‌های ناجا.
- Crank, jhon and Andrew, Gia comazeic (2003), Fear of crime in No urban setting, journal of Criminal justice, 31.
- Farral, Stephen atal (2007), Theorizing the fear of crime: The cultural and social significance of Insecurities about crime, working press, No5.
- Jackson, Jonathan (2006) "Introducing fear of crime to Risk Research". Risk Analysis. Vol.26, no.1, pp.253-64.
- Wekerle, Gerda and Carolyn, Whitman (1995), Safe cities, Guidelines for planning, Design and Management.